

نمادشناسی رنگ در پوشاک بانوان کوچ‌نشین و یکجانشین کرد شمال خراسان

تاریخ دریافت: ۱۳/۰۴/۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۴/۰۴/۱۴۰۲

کد مقاله: ۶۷۴۴۸

زینب گریوانی^۱، رضا اکبری بنگر^۲، حمیده جعفری^۳

چکیده

رنگ‌ها از نماد و نشانه‌هایی برخوردارند که بازتاباننده معانی و مفاهیم عمیقی هستند. دارای زبانی جهانی بوده، هر جای دنیا قابل فهم‌اند و جزء جدایی‌ناپذیر پوشاک اقوام هستند. پوشاک سنتی بانوان کُرد شمال خراسان، یکی از هنرهای سنتی است که علاوه بر جنبه زیبایی، به لحاظ کاربرد در زندگی آن‌ها اهمیت دارد؛ از این‌رو رنگ‌ها جهت زیباسازی پوشش آنان نقش بسزایی دارند. بر این اساس نمادشناسی رنگ در پوشاک بانوان کُرد شمال خراسان هدف پژوهش حاضر است و پرسش آن چیستی نماد رنگ‌های غالب پوشاک بانوان کوچ‌نشین و یکجانشین کُرد شمال خراسان است. جمع‌آوری داده‌های آن کتابخانه‌ای، الکترونیکی و برخی مستندات تصویری آن به صورت میدانی گردآوری شده و داده‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. نتایج نشان داد رنگ سرخ به طور مشترک در البسه هر دو گروه از اصلی‌ترین و مهم‌ترین رنگ‌ها است که نمادی زمینی دارد. رنگ سفید که نماد نور کامل، پاکی و صلح است و نمادی آسمانی دارد؛ همچنین زرد که مسرور کننده است، در پوشش بانوان کوچنده به شکل سطح و در لبوس بانوی یکجانشین به شکل نقوش بکار رفته است. رنگ سیاه در شار بانوی یکجانشین نمادی از جستجوی معرفت و رسیدن به تعالی است.

واژگان کلیدی: پوشاک، نمادشناسی، رنگ، بانوان کوچ‌نشین، بانوان یکجانشین، کردهای شمال خراسان

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی پارچه و لباس، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.
۲- استادیار، گروه تخصصی طراحی لباس، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

r_a_bengar@azad.ac.ir

۳- استادیار، گروه تخصصی هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

پوشاک هر قوم و ملت نمایاننده هویت فرهنگی و اجتماعی آن قوم و ملت است؛ از این رو لباس‌های سنتی اقوام گنجه‌ای پررہا است که باید در حفاظت از آن کوشید. رنگ‌ها نماد و آیتی از آفرینش خداوند بوده و از مباحث مهم در شناخت فرهنگ جوامع گوناگون هستند. رنگ‌ها در پوشاک اقوام به صورت قوانینی نامتغیر و بر اساس فرهنگ، موقعیت جغرافیایی، بینش، اندیشه‌ها، اعتقادات، آداب و سنن پذیرفته شده‌اند که حامل اندیشه‌ای ورای خود هستند؛ بر این اساس پژوهش حاضر برآن شد در پی بازجست نمادهای رنگ در پوشاک بانوان گُرد شمال خراسان برآید. از این رو پرسش آن چیستی نماد رنگ‌های غالب پوشاک بانوان کوچ‌نشین و یکجانشین کرد شمال خراسان است؛ لیکن به بررسی نمادشناسی رنگ‌های غالب مشاهده شده در تصاویر گردآوری شده از پوشاک بانوان گُرد کوچ‌نشین و یکجانشین شمال خراسان پرداخته است. نمونه‌های مورد بررسی در این پژوهش، البسه سنتی بانوان کوچ‌نشین طایفه بزرگ قره‌مان که در مسیر مراوه‌تپه، آشخانه، بجنورد و کوه‌های هزار مسجد در حرکت‌اند و پوشش سنتی بانوان یکجانشین صوفیانلو که ساکن لایین در استان خراسان رضوی هستند، است.

۲- پیشینه پژوهش

درباره نمادشناسی رنگ تحقیقات بسیاری صورت گرفته است، همچون مقاله «نمادشناسی رنگ سبز در فرهنگ و هنر ایرانی_اسلامی» (۱۳۹۹)، نوشته دانش و خزائی است و هدف آن بررسی نمادهای رنگ سبز و تحلیل مفاهیم نهفته در ورای آن است و مقاله «نوع لباس و نمادهای رنگ در عرفان اسلامی» (۱۳۸۹)، نوشته مونس سرخه و همکاران است و در آن هدف نگارندگان معرفی ویژگی صوفیان و اهل زهد در اسلام و نیز به بررسی برخی تاج‌ها، رنگ تاج‌ها و معانی نمادین آن پرداخته است بدین نتیجه رسیده که سخن عرفا از رنگ، همان نور است که دارای بعدی فراتر و لاهوتی است. در مقاله «رنگ سفید از منظر قرآن و روانشناسی» (۱۳۸۹)، نوشته شریفی و جوکار نیز هدف بررسی رنگ سفید بوده و بدین نتیجه رسیده که از خصوصیات رنگ سفید، تصور اوج لطافت، صفا، آرامش، رؤیا و ... است و بهشت با این رنگ توصیف شده است. مقاله «بررسی رنگ در حکایت‌های هفت پیکر نظامی به قلم واردی و مختارنامه» (۱۳۸۶)، که هفت رنگ مطرح شده در هفت پیکر و ارتباط این رنگ‌ها با حکایات مطرح شده بررسی شده و به این نتیجه رسیده است که رنگ در میان آثار نظامی از جایگاه ارزنده‌ای برخوردار است و این مقوله، متناسب در جای‌جای حکایت‌ها گنجانده شده است. همچنین در مقاله «نماد عرفانی رنگ در هنر و معماری اسلامی» (۱۳۹۷)، نصیری و همکاران در پی کارکرد بازتاب وجود رنگ‌ها و ترکیبات آن‌ها در هنر و معماری ایرانیان بوده و نتیجه گرفته‌اند که هنر و معماری اسلامی سعی دارد احدیت خداوند را لابه‌لای رنگ‌ها، فرم‌ها، انوار و اصوات و به تعبیری معنا را در صورت متجلی سازد و مقالاتی از این دست؛ منتها در ارتباط با پوشاک بانوان گُرد شمال خراسان تحقیق‌های علمی چندانی که منتشر شده باشد، انجام نشده است؛ اما در مقاله «مطالعه شاخص‌های هنری پوشاک قوم کرمانج» (۱۳۹۹)، نوشته نتاج‌مجد و صفری که هدف از آن بیان ارزش‌های شاخص‌های هنری پوشاک کرمانج است، مبانی نظری این پوشاک مورد بررسی قرار گرفته است. در کتاب‌های «دیده و دل و دست» (۱۳۸۳)، به قلم امیدی و کتاب «پوشاک و زیورآلات عشایر کرمانج خراسان» (۱۳۹۵)، نوشته وطن‌دوست پوشاک کردهای خراسان معرفی شده‌اند. در کتاب «جامعه‌شناسی ایلات و عشایر ایران» (۱۳۹۹)، نوشته مجدی و همکاران جنبه‌های مختلف زندگی عشایر کرد شمال خراسان را مورد مطالعه قرار داده‌اند. با این همه در هیچ کدام به نمادشناسی رنگ پوشاک زنان گُرد شمال خراسان توجهی نشده است؛ این در حالی است که رنگ عنصر اصلی پوشاک سنتی است و با خود نشانه و نمادهایی به همراه دارند.

۳- روش پژوهش

این پژوهش از راه جمع‌آوری و بررسی نمونه‌های موجود و تطبیق و تحلیل آن‌ها انجام شده است و اطلاعات، با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای، الکترونیکی و میدانی گردآوری شده و سپس تطبیق، توصیف و تحلیل آن‌ها با توجه به منابع و تصویرخوانی نمونه تصاویری که به صورت میدانی جمع‌آوری شده، صورت گرفته است.

۴- نمادشناسی

اصطلاح سمبل که در زبان انگلیسی و فرانسه که گاهی در فارسی نماد ترجمه شده، از ریشه مصدر یونانی آن «سیمبالین» اشتقاق یافته است که در زبان یونان باستان به معنای نشان، مظهر، نمود و علامت به کار رفته است. نماد، آیت و نشانه‌ای از شیئی یا امری است که شیئی یا امری دیگر را القا می‌کند، مثلاً سیاهی نشانه سوگواری، سفیدی نشانه پاکی و صلح، سرخ نماد خون یا اخم نماد اکراه، لبخند نشانه تصدیق و خنده نشانه شادی و ... است. معانی نماد در زبان فارسی، رمز، اشاره، راز، سِر، نمونه، علامت،

نشانه، معما و ... است و اغلب به معنای نمود، نما و نماینده به کار رفته است (کوهنور، ۱۳۸۳: ۲۰-۲۱). هیچ چیز شکل محض نبوده و هر چیز بر اساس نشانه‌ها شکل گرفته است. نمادها معانی و مفاهیم را در مدت کوتاهی انتقال می‌دهند و به آسانی جای چیز دیگری به کار گرفته می‌شوند؛ بدین معنی که گاهی از یک شکل نه به عنوان ذات شکل بلکه به عنوان رساندن مقصودی خاص برای رسیدن به غرضی والا تر از آن استفاده می‌کنیم که «پیوند میان آفریننده و آفریدگان را می‌نمایاند.

ژول لوبل^۱ یادآوری می‌کند که: هر آنچه آفریده شده، از جهتی، بازتابی از کمال الهی و نشانه‌ای طبیعی و قابل درک از حقیقتی متعالی است. لاندريت^۲ بر آن است که نمادپردازی دانش ارتباط‌هایی است که جهان مخلوق را با خدا و جهان مادی را با جهان برین پیوند می‌دهد» (سرلو، ۱۳۸۸: ۴۳). اگر چه نماد را نمی‌توان به صورت کامل و دقیق تعریف یا توصیف کرد با این حال نمادشناسی روشی برای بازاندیشی، بازنگری، نیک‌اندیشی و تعقل در دانش، منش و نوع زندگی بشر است که نوع جدیدی از مفاهیم را در زمان و مکانی خاص جلوه‌گر کرده و مانند پلی ارتباطی، برقرار کننده ارتباطات گوناگون بین انسان‌ها است.

۵- رنگ

رنگ‌ها در جامعه ایرانی و ادوار مختلف به عنوان نمود فرهنگی و هویتی مورد توجه بوده و علاوه بر ویژگی‌های عمومی دارای مفاهیمی وابسته به فرهنگ جامعه و سنت‌های بومی است. چنانکه «در ایران قبل از اسلام، افراد طبقات سنتی جامعه، برای معرفی شخصیت طبقاتی خویش جامه‌هایی با رنگ‌های گوناگون می‌پوشیدند. در متون اوستایی از سه طبقه و بعد از آن از چهارطبقه: پادشاه و روحانیون، ارتشیان، کشاورزان و صنعتگران و نیز در متون پهلوی طبقه دبیران نیز اضافه شد. جامه موبدان سفید، ارتشیان سرخ، دبیران زرد و کشاورزان به رنگ کبود (سبز) بود» (دانش، خزائی، ۱۳۹۹: ۲۰). نمادشناسی رنگ، از انواع شناخته شده نماد در دنیا است. از عناصر مهم حیاتی بوده و تأثیری آنی بر بیننده می‌گذارد. از قدرت بالایی برای اتصال فرهنگ‌های مختلف برخوردار بوده و زبانی جهانی است که در همه جای دنیا بدون به‌کارگیری کلمات قابل درک و فهم است. بدون نور رنگ دیده نمی‌شود و با تکثیر نور رنگ پدیدار می‌شود؛ رنگ نیز نه برای این که دیده شود بلکه برای آن که وجود داشته باشد نیاز به جسم دارد؛ «رنگ در جسمی که دیده می‌شود دارای وجودی قائم به ذات است و با نور همراهی دارد و با آن در یک امتداد پخش می‌شود» (بلخاری قهپی، ۱۳۹۴: ۱۴۵). در تمامی اشکال و ارتباطات غیر کلامی، رنگ یکی از سریعترین شیوه‌های انتقال معانی و پیام‌ها است.

پیش از اینکه بشر امروز، ارزش زیبایی‌شناسی رنگ را بداند، روش‌های تجربی متنوع‌تری در برقراری ارتباطات با استفاده از رنگ وجود داشت. همواره راه نجات انسان‌ها، بستگی به توانایی شناخت او از اشیاء بوده است. در میان انواع پیام‌ها، رنگ به شدت با تمام احساسات آدمی مرتبط است و در کنار تحریک آن، نماد ذهنیات انتزاعی و افکار گوناگون است و همزمان بیانگر سرخوشی، آرزو تکامل و یادآور زمان و مکانی دیگر است که باعث ایجاد حس زیبایی‌شناسی و با واکنش‌های احساسی در انسان می‌شود (آیزمن، ۱۳۹۲: ۱۰). «در اصول کافی به نقل از امیرالمؤمنین علی(ع) ذکر می‌شود که خداوند عرش را از انوار چهارگانه سرخ، سبز، زرد و سفید خلق کرد» که چهار رنگ مطرح در قرآن بوده و بنیاد تمامی رنگ‌ها در عالم محسوب می‌شوند (بلخاری قهپی، ۱۳۹۴: ۷۳). در قرآن «رنگ‌ها به طور کلی به عنوان نشانه‌هایی از آفرینش خداوند» هستند (شریفی، جوکار، ۱۳۸۹: ۱۰۳). رنگ‌ها نه تنها نشانه جمال الهی‌اند و در اشیاء متجلی می‌شوند و به ظهور می‌رسند بلکه نشانه جلال و قدرت خالق هستند. در عرفان اسلامی رنگ به عنوان عامل تمایز سلوک استفاده می‌شود و در ساحت معنا عرفا رنگ را عامل ظهور و تجلی معنا می‌دانند (نصیری، افراسیاب‌پور، احمدی، ۱۳۹۷: ۶۱).

از منظر عارف قرن ششم نجم رازی، اگر سالک در مرتبه نفس لواحه باشد نوری به رنگ کبود (محمد طوسی سیاه و کبود را یکی دانسته) می‌بیند زیرا نفس در این مرحله هنوز با ظلمت پیوستگی دارد و چون ظلمت نفس کمتر شود و نور روح زیادت گردد، نوری سرخ مشاهده شود و چون نور روح غلبه کند، نوری زرد پدید آید (ایمان) و چون ظلمت نفس نماند نوری سپید آید (اسلام) (مونس سرخه، طالب‌پور، گودرزی، ۱۳۸۹: ۱۱). از منظر سید حسین نصر نیز، هر رنگ تمثیلی خاص خودش را دارد و هر یک دارای رابطه‌ای با یکی از احوالات درونی انسان و روح است (بزی، بلخاری قهپی، ۱۴۰۱: ۴). رنگ‌ها جدا از جلوه‌گری و جذابی که به البسه می‌دهند، در کاربرد اجتماعی نیز نشان دهنده ارزش‌ها و قوانین پذیرفته شده در فرهنگ مردم جامعه‌اند. اهمیت و نقش رنگ‌ها زمانی مشخص می‌شود که رابطه نزدیکی بین پوشندگان لباس‌هایی با رنگ‌های خاص و فرهنگ جامعه‌ای که در آن روزگار می‌گذرانند، پدیدار شود. در عین حال، رنگ جامه‌ها در هماهنگی با جنس، سن، دوره‌های زندگی، موقعیت و مرتبت پوشندگان معنا پیدا می‌کند و با زبان استعاری، خصوصیات همچون حیا و شرم، وقار و فروتنی، جذابیت و اغواگری، عظمت و پستی،

۱- Jules Lebele

۲- landrit

تفاخر و تواضع، جاذبه جنسی، طراوت و سرزندگی، سالخوردگی و خمودگی، قدرت و ناتوانی، جنسیت و وابستگی‌های قومی و گروهی و دینی پوشندگان لباس را نشان می‌دهد. فرهنگ‌ها در جامعه‌های سنتی، نوع البسه، شیوه پوشیدن و رنگ آن به اعضای جامعه و می‌دارد؛ بنابراین رنگ لباس افراد از سویی بیانگر مفاهیم آرمانی فرهنگ جامعه و از سوی دیگر بازتابنده خصلت‌های انسانی پوشندگان و جایگاه آن‌ها در خانواده، گروه و طبقه اجتماعی است. در بین مردم جامعه‌های اسلامی و ایران از دیرباز بعضی رنگ‌ها، به ویژه سفید و سیاه، سبز، سرخ و زرد نقش مهمی داشتند و بیان‌کننده مفاهیم ویژه‌ای بوده‌اند (الهی، ۱۳۹۹: ۹۸-۹۹).

۶- کردهای شمال خراسان

گُردها از قدیمی‌ترین آریایی‌ها هستند که در سرزمین پهناوری از آسیا سکنا گزیده و اولین حکومت منظم جهان آن روز را تحت عنوان ماد تشکیل داده و تمام ایران را زیر چتر کلمه واحدی بنام ایران درآوردند (توحیدی، ۱۳۶۴: ۴). در این میان شاخه‌ها و ایلات بزرگی از این گُردها برای دفاع از مرزهای شرقی این سرزمین در دوره‌های مختلف تاریخی به خصوص دوره صفویه، به منطقه شمال خراسان کوچیده‌اند و همچون دیواری انسانی در مقابل مهاجمان ازبک و ترکمن ایستاده‌اند و پس از کامیابی به دلیل جنگاوری و دلاوری ایشان به دستور و تدبیر شاه وقت همچنین برخورداری خراسان از مراتع مطلوب و مورد نیاز دامپروری و کشاورزی در این منطقه به حیات خویش ادامه داده و به آن خو گرفته، روزگار گذراندند و جزئی از تار و پود به هم تنیده این منطقه شده‌اند. کردهای این سامان از ایل بزرگ چمشگزک^۱ قفقازیه هستند.

کردهای این نواحی شیعه مذهب بوده و تحت عنوان سه ایل بزرگ زعفرانلو، شادلو و قراچورلو قرار دارند (هاشمی، ۱۴۰۰: ۱۸۱) که به سه گروه ایل‌ها و طایفه‌های کوچرو، نیمه‌کوچرو و نیز یکجانشین اسکان یافته، تقسیم می‌شوند (بخشی، وندشعاری، ۱۳۹۵: ۶۳).

۷- رنگ و نماد آن در پوشاک بانوان کوچ‌نشین و یکجانشین گُرد شمال خراسان

رنگ‌ها از بارزترین نمادهایی هستند که از نظر روانی روی انسان تاثیر می‌گذارند. رنگ‌ها در رابطه‌های فرهنگی، باورهای مذهبی، سنتی و ملی و تجربه‌های زیستی هر کدام مفهومی مختص خود دارند. در میان اقوام و طوایف ادراک رنگی متفاوت یا گاهی مشترک است؛ اما به هر صورت تابع موقعیت‌های مکانی، زمانی و نشأت یافته از جهان‌بینی، منش، سنت‌ها، شیوه زیست و قوانین حاکم بر آن قوم است. پوشاک بانوان کوچ‌نشین متشکل از شیلوار(شلیته)^۲، پیراهن (کراس)^۳، شال (کون)^۴، دستمال^۵، جلیقه و جوراب (کورک)^۶ است و پوشاک بانوان یکجانشین تشکیل شده از پاچه (دامن)^۷، پیراهن، شاره^۸، شال^۹، نیم‌تنه^{۱۰}، کله^{۱۱} است. هر کدام از این قطعات رنگ ویژه‌ای دارند که به شکل قوانین مشخص شده در طایفه تبدیل شده است و تغییر نمی‌پذیرند. البسه سنتی بانوان کوچ‌نشین گُرد شمال خراسان بیشتر به رنگ سرخ، سفید، زرد و گاهی نارنجی است. رنگ سفید، زرد و نارنجی رنگ‌های هستند که دختران و بانوان جوان بر تن می‌کنند؛ بانوی کوچ‌نشین بعد از ازدواج شیلوار سرخ می‌پوشند و رنگ زرد نیز برای بانوان مُسن مناسب نیست و ایشان باید از رنگ‌های خاموش‌تر و تیره‌تر استفاده کنند. چنانکه محققین در حوزه پوشاک نوشته‌اند: رنگ جامه بانوان، طایفه به طایفه برحسب سن و مجرد یا متأهل بودن متفاوت است؛ به طور مثال دامن زرد نشان دهنده مجردها و دامن قرمز یا حاشیه راه‌راه نشان از زنان است (الهی، ۱۳۹۹: ۹۸-۹۹).

پوشیدن لباس‌ها از پارچه‌های گلدار تور، نخ و ابریشم سفید با گل‌های قرمز و صورتی و شال‌های حریر سفید با نقش طاووس، نخستین انتخاب دختران و بانوان جوان در راه کوچ بوده است و رنگ سفید نماد شیک‌پوشی، تمیزی و سلیقه به حساب می‌آمده است. رنگ سرخ و نارنجی بیشترین انتخاب برای شیلوار است. پیراهن بیشتر از پارچه‌های سفید گلدار دوخته می‌شود (مجدی، عربی، شادکام، ۱۳۹۹: ۲۲۹) حال ممکن است زمینه سفید با گل‌های صورتی یا زمینه سفید با گل‌های آبی باشد.

ضیاءپور در کتابش رنگ پوشاک بانوان گُرد شمال خراسان را چنین توصیف نموده: «پوشاک بانوان شمال خراسان، در رنگ- آمیزی چون پَر طاووس رنگ برنگ است» (ضیاءپور، ۱۳۴۶: ۳). درمیان کردهای شمال خراسان یکجانشینان در رنگ پوشش زنان،

1- Camos gazak ، (کردهای کنونی خراسان) ، (توحیدی، ۱۳۶۴: ۹۱)

2- silwar (salita)

3- keras (gros)

4- kawm

5- dasmal

6- korek

7- paca

8- sar

9- sal

10- Niv Tene

11- kole

دختران و کودکان تفاوتی قائل نیستند چنانکه پیراهن، پاچه و کله به رنگ سرخ است و تنها تفاوت در البسه ایشان در سرپوش آنان است و دختران و کودکان از یک سرپوش استفاده می‌کنند که پس زمینه‌ای سیاه دارد با نقوش گیاهی و گل‌های صورتی؛ همچنین دختران از رنگ‌های روشن همچون نباتی نیز استفاده می‌کنند؛ اما زنان از دو سرپوش استفاده می‌کنند که اولی سیاه است و روی آن شال سرخ می‌بندند. در تحقیقاتی که در سال ۱۹۶۰ توسط دو تن از محققین و مردم‌شناسان آمریکایی در بررسی واژه رنگ ۹۸ زبان انجام شد، نتایج حاصله در بسیاری از فرهنگ‌ها اشتراکاتی در تکامل رنگ‌ها وجود دارد. نتایج آن در شش نمونه اشتراک را نشان داد: هیچ زبانی وجود ندارد که حداقل دو رنگ سیاه و سفید در آن مشخص نباشد. رنگ سوم قرمز خواهد بود و رنگ چهارم آن سبز یا زرد است. رنگ‌های بعدی به ترتیب آبی و قهوه‌ای است (کشاورز، جوادی، ۱۳۹۸: ۱۰).

مشابه این مطالعات می‌توان رنگ‌های سفید و سیاه را به طور مشخص در پوشش بانوان کرد شمال خراسان تشخیص داد. رنگ ارزشمند دیگر در این پوشاک سرخ بوده که رنگی هویت بخش است. زرد نیز در درجات بعدی گاه به شکل سطح و گاه برای غنی‌تر کردن رنگ قرمز در جزئیات و ایجاد نقش به کار رفته و به وضوح قابل رویت است و برای غلبه بر یکنواختی، افسردگی و ایجاد حس علاقمندی و رضایتمندی به کار گرفته می‌شوند. بنابراین رنگ‌های غالب در این پوشاک عبارتند از: قرمز، سفید، زرد و سیاه.

۷-۱- رنگ قرمز

این رنگ از مهم‌ترین و اصلی‌ترین رنگ‌های البسه بانوان کُرد شمال خراسان است. انسان‌های با نشاط و پرقدردن به رنگ سرخ علاقه زیادی دارند. توجه به رنگ‌های گرم باعث فعالیت، تلاش و جنب‌وجوش و نشانگر شادی و اشتیاقی در زندگی است. این رنگ نماد جهانی آغاز و مبدأ زندگی است (حسین‌پور، ۱۳۹۳: ۱۷۹). تحقیقات نشان داده قرمز همواره روی مغز انسان برای ایجاد هیجان و انرژی مضاعف، بسیار مؤثر بوده و باعث فعالیت غده هیپوفیز می‌شود. جزو رنگ‌های گرم است و بیشترین آستانه هیجان را در انسان ایجاد می‌کند و جسور، محرک، شهبوانی و سرزنده است (آیزمن، ۱۳۹۲: ۱۳). در کتاب «ترانه‌های کُرمانجی خراسان» به اهتمام توحی، ترانه‌ای در مسیر کوچ سال ۱۳۳۹ شنیده و آورده است که در آن به سرخی رنگ شیلوار اشاره شده است و نشان می‌دهد این رنگ از رنگ‌های اصلی در پوشاک این گروه قومی است که در این اشعار به عنوان نمادی از عشق بکار می‌رود.

«شیلوار سوییری، کراس هیشین / تو دلی مه، ژه خا میشین / ده شمالی خا، سا مه بشین

الا ای شیلوار سرخ، پیراهن آبی / دل ما را از خود مرنجان / دستمال خود را یادگاری برابم بفرست» (توحی، ۱۳۹۷: ۷۱).

رنگ قرمز در پوشش بانوی کوچ‌نشین (تصویر ۱) در شیلوار و جلیقه در گذشته کفش‌ها نیز قرمز بود و در پوشش بانوی یکجانشین (تصویر ۲) در پاچه، پیراهن و شال، بکار رفته است. رنگ قرمز از خانواده رنگ‌های گرم است و تداعی‌گر حرارت و احساس گرما است. نماد جوشش، فعالیت و پویایی، تحرک، هیجان، صلابت، گرمابخشی و گرمای وجود پوشندگان آن است؛ همچنین این رنگ نشانه عشق و زندگی است. رنگ قرمز را با شکل مربع که نماد مادیت و زمین است می‌شناسیم، شکلی که ایستا و ثبات‌گرا است. رنگ قرمز مکمل رنگ سبز گیاهان کوهستان است؛ از این رو بانوان کوچ‌نشین رنگ قرمز را در پایین تنه به عنوان شیلوار (شلیته) استفاده می‌کنند که به زمین نزدیک‌تر است و به رنگ خاک حیات می‌بخشد که «از گذشته برای تجدید حیات آمده» است (مونسی‌سرخه، طالب‌پور، گودرزی، ۱۳۸۹: ۱۰).



تصویر ۲- رنگ قرمز در پوشش بانوان یکجانشین (مأخذ: آلبوم خانوادگی خانم رضاییان، دهه ۹۰)



تصویر ۱- کاربرد رنگ قرمز در پوشش بانوی کوچ‌نشین (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱)

برای هماهنگی و حفظ تعادل بصری در البسه جلیقه نیز به رنگ شلیته انتخاب می‌شود. بانوان یکجانشین در گذشته نخ‌های ابریشم را به وسیله قرمزخانه‌ها که پیرامون محل زندگی خود فراوان بود، رنگ‌ریزی می‌کرده‌اند. در حال حاضر به دلیل کمیاب بودن قرمزخانه ناگزیر به استفاده از رنگ‌های شیمیایی هستند اما برای حفظ رنگ سنتی جامه خود از رنگ قرمز برای رنگ‌ریزی ابریشم‌ها استفاده می‌کنند. بانوان کُرد یکجانشین برای جامه خود سرخ را برگزیده‌اند که نشان حکمت و معرفت‌جویی است و چون در پی تعالی یافتن است رنگ سیاه که رنگی خنثی بوده و در همنشینی با تمام رنگ‌ها رنگی هماهنگ کننده است در سرپوش استفاده می‌کند؛ در میان مراتب هفتگانه عرفان اسلامی نور سرخ در مرتبه ششم قرار دارد و نشانه معرفت و حکمت است (نصیری، افراسیاب‌پور، احمدی، ۱۳۹۷: ۶۲). همچنین رنگ سیاه در مرتبه هفتم است و پس از سرخ پدیدار می‌شود؛ بنابراین در پی سرخ در البسه بانوی کُرد یکجانشین بکار رفته است.

۷-۲- رنگ سفید

رنگ سفید از شریف‌ترین رنگ‌هاست و در نهایت صفا، لطافت و نورانی و از نشانه‌های افراد سعادت‌مند در رستاخیز است (شریفی، جوکار، ۱۳۸۹: ۹۷-۹۸) و نخستین رنگ انتخابی صوفیان در قرون اولیه هجری است (مونس‌سرخه، طالب‌پور، گودرزی، ۱۳۸۹: ۹). نور سفید مجمع تمام نورهاست که از همگرایی و پیوستن تمام نورها به یکدیگر حاصل می‌شود؛ سفید رنگی ماورائی و آسمانی است و از نظر وزنی سبک وزن‌ترین رنگ است بنابراین حرکتی رو به بالا دارد و به آسمان نزدیک‌تر است. در هنر اسلامی نیز «رنگ سفید، نماد وجود مطلق و گواهی بر وحدت در کثرت است که جامع رنگ‌هاست» (نصیری، افراسیاب‌پور، احمدی، ۱۳۹۷: ۵۳) بنابراین نور سفید زاینده تمام نورهاست همانطور که در آیه ۲۷ سوره فاطر نیز از «رنگ سفید به عنوان رنگ آفرینش یاد شده است» (شریفی، جوکار، ۱۳۸۹: ۱۰۳)؛ همچنین رنگی کاملاً متضاد با سیاه است و چشمان انسان سفید را رنگی درخشان می‌بیند. سفید پاکی و سادگی را تداعی می‌کند، نمادی از قدمت، سبک‌بالی، روشنایی و خلوص است و در حالت خالص خود «سمبل مینیمالیسم (کمینه‌گرایی) مطلق است چون یک لوح سفید در برابر هر رنگی می‌تواند ایجاد تضاد کند» (آیزمن، ۱۳۹۲: ۶۰-۶۱). نشانگر دوستی، نور و حس‌های خوشایند است. از دیدگاه حضرت رسول اکرم (ص) خداوند تعالی، بهشت را سفید خلق نمود و محبوب‌ترین شیء نزد حق رنگ سفید است (بلخاری قه‌ی، ۱۳۹۴: ۱۳۸). به سبب طهارت در سپیدی آن را مطلوب دانسته‌اند. پیامبر جامه سپید دوست داشت، اگرچه لون سیاه نیز می‌پوشید. اگر مرید دل را از اغیار و هوای نفس پاک کرده سپید پوشیدن او را مسلم گردد. رنگی که به صفا نزدیک‌تر است، اولی باشد و آن سپید است که صورت و فطرت اصل دارد. سفید را رنگ خدایی می‌دانند. رنگ روز و از آن جماعتی است که دل ایشان روشن باشد و سینه آن‌ها از صفات ذمیمه صاف گشته. پیامبر (ص) فرمود: لباس سفید بپوشید که پاک‌تر است و خوش بوی‌تر. هر که این جامه پوشد باید که چون صبح صادق بود و چون روز همه کس را روشنی بخشد. سفید روشنایی هدایت و رستگاری است، هدایت از گمراهی‌ها و تیرگی‌ها به سوی خداپرستی؛ زیرا خدا نور است؛ نور آسمان و زمین. سفید نماد وجود مطلق و منشأ هستی است (مونس‌سرخه، طالب‌پور، گودرزی، ۱۳۸۹: ۹). سفید عاری از آلودگی است و نماد تمیزی، پاک کامل است. پوشندگان سفید باعث آرامش اطرافیان می‌شوند و آن‌ها را به صلح و دوستی دعوت می‌کند زیرا روشنی بخش چشم بوده و رنگی آرام و هدایت‌گر است؛ همچنین این رنگ نشانه جوانی و سرآغاز است. رنگ سفید در هفت پیکر رنگ تقدس است. از نظر معنوی، نور سفید تابش الهی کیهان است، نور آگاهی مسیح، نیروی والا، نیروی شفابخش و سرچشمه زندگی است (شریفی، جوکار، ۱۳۸۹: ۱۸۵). رنگ سفید سطوح بیشتری را در لباس بانوان کرد کوچ‌نشین شمال خراسان به خود اختصاص داده است (تصاویر ۳، ۴، ۵) و از پرکاربردترین رنگ‌ها در البسه آنان است. نشانه صلح، آرامش، سرزندگی و سرشار از شور جوانی بوده و نماد پاکی و پاکدامنی است؛ چنانکه در رنگ تاج‌هایی که اهل طریق بر سر می‌نهادند فردی تاج سفید می‌پوشید که از وسوسه‌های شیطان پاک شده باشد (مونس‌سرخه، طالب‌پور، گودرزی، ۱۳۸۹: ۸). رنگ سفید در پیراهن و شال بانوان کوچنده مانند پرچمی سفید که اعلام کننده اتمام جنگ میان ملت‌هاست مادام اطرافیان را به صلح و دوستی دعوت می‌کند؛ زیرا که او از میان مزارع پیرامونش در حال حرکت و عبور است و با این رنگ اجازه گذر گوسفندان را از حریم کشاورزان می‌طلبد. سفید رنگی آسمانی است و پوشنده آن را در بخش بالایی لباس به کار می‌گیرد که به آسمان نزدیک‌تر است. بکارگیری رنگ قرمز ما بین رنگ سفید پیراهن و جوراب‌های سفید و شال سفید همنشینی متعادل پدید آورده است که خوشایند هر بیننده‌ای است. رنگ سفید در پیراهن و شال بانوان یکجانشین برای نقش اندازی بر جامه‌ها استفاده شده است (تصاویر ۹، ۷). در میان رنگ‌ها تالو رنگ سفید بیشتر از رنگ‌های دیگر خودنمایی می‌کند و جلوه‌ای دلنشین به جامه پوشنده می‌دهد که کامل‌ترین رنگ و مظهر خلاقیت است. بانوان کرد یکجانشین رنگ‌های سفید، زرد و... که نقش‌های بافته شده توسط بافنده را به وجود آورده‌اند را در قسمت‌هایی از لباس به کار می‌گیرند که توجه را به خود جلب می‌کند و بیشتر در معرض دید است. «ژم تانکوانی^۱ در حدود ۱۸۱۸ میلادی چنین می‌نگارد: ایرانیان تحمل و شکوه خود را تماماً برای آن قسمت‌هایی از جامه نگه می‌دارند که در معرض دید است» (وردن، بیکر، ۱۳۹۶: ۶۹).



تصویر ۴- کاربرد رنگ سفید در پوشش بانوی کوچ- نشین (مأخذ: ذولفقاری یکانلو ۱۳۹۷)



تصویر ۳- رنگ سفید در پوشش بانوی کوچ نشین هنگام کوچ (مأخذ: جابانی ۱۳۹۰)

در کتاب «ترانه‌های کرمانجی خراسان» در سروده نوروژ درگزی، سال ۱۳۳۷ به رنگ سفید در پوشاک بانوان کوچ نشین اشاره شده است که نشان دهنده اهمیت رنگ‌ها میان کردهای شمال خراسان است.
 «کراس گهوری، شیلوار گهوری / له هالی مه‌ته‌کر، جهوری / نه‌ته دل‌ما، نه‌مه سه‌وری
 الا ای دختر پیره‌ن سپید، دامن سپید / تو بحال ما ستم کردی / نه تو را دل مانده است و نه ما را صبر و قرار»
 (توحیدی، ۱۳۹۷: ۷۵)

و نیز در ترانه کلیم در کوچ پاییزی در جرگلان به سال ۱۳۴۱ که می‌گوید:
 «شالی سه‌ری ته‌یی گه‌رده / ریشان وه‌سه‌ر، خادا به رده / ته سامرا چی کرده رده
 دلبرم، شال سر تو سپید نازک است / ریشه‌هایش را روی برو دوش‌ت افشان کن / تو برایم درد عشق آفریدی»
 (توحیدی، ۱۳۹۷: ۶۷).



تصویر ۵- رنگ سفید در پیراهن و شال بانوی کوچ نشین (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱)

۳-۷- رنگ زرد

ذهن انسان زرد را همواره با خورشید تجسم می‌کند و نشانه روشنایی، روحانی و مهربانی است و در تمام فرهنگ‌ها مساوی با گرمای آفتاب و شکوه آن می‌باشد. رنگی تخیلی بوده و آن را با نور، روشنگری و گرما بخشی آفتاب می‌شناسیم. رنگی درخشان، باشاش، امید بخش و یادآور احتیاط بوده که با شکل مثلث شناخته می‌شود. به دلیل ارتباط کهن این رنگ با حیوانات شکارچی خطرناک و حشرات نیش‌دار و سایر جانوران مرموز یا ترسناک، از قول این رنگ می‌توان گفت: بیشتر حواستان به من باشد (آیزمن، ۱۳۹۲: ۳۵-۳۷). رنگ زرد، جستجو برای یافتن راهی جهت بیرون آمدن از دشواری‌ها و تلاش در جهت کسب هویت خویش است و لذت غیر ارادی از عملکرد فرد ایجاد می‌کند و قدرت پیش بینی اوضاع آینده را در فرد بالا می‌برد (حسین پور، ۱۳۹۳: ۱۸۰). یکی از قوانین پوششی طوایف کُرد کوچ نشین این است که دختران در خانه پدری شلیته زرد به تن کنند؛ بنابراین در تصویر ۶ بانوی کوچ نشین دامنی زرد پوشیده که قبل از ازدواج در خانه پدری دَرَبَر می‌کرده است که همراه با پیراهن، شال و جوراب سفید پوشیده شده است. رنگ زرد در لباس بانوان کُرد یکجانشین (تصاویر ۸، ۹، ۱۰) در پیراهن، چادر (چادرشپ) و شال این بانوان تجلی یافته و در مجاورت رنگ‌هایی همچون سفید و سرخ طرحی موزون و دلپذیر به وجود آورده است. رنگی که سطح انرژی بدن را بالا می‌برد؛ شادی آفرین بوده و مانع افسردگی می‌شود. بانوان یکجانشین برای تبدیل نخ ابریشم سفید شده به رنگ زرد از علف کوهی

که به زلیبر معروف است استفاده می‌کردند اما در حال حاضر برای دشواری جمع‌آوری و تولید، غیر از افراد اندکی مابقی از مواد شیمیایی استفاده می‌کنند. البته ابریشم‌هایی که با زلیبر رنگ‌رزی می‌شوند خوش‌رنگ‌تر و درخشان‌تر با شدت رنگی بیشتر هستند. برای شادی آفرینی بین رنگ‌های دیگر از زرد که درخشنده و گرم است استفاده می‌کند.



تصویر ۶- شیلوار زرد رنگ بانوی کوچ‌نشین (مأخذ: آلبوم خانواده محمدی)



تصویر ۷-۸-۹- استفاده از رنگ زرد در پیراهن، چادر و شال بانوان یکجانشین (مأخذ: نگارنگان، ۱۴۰۱)

۴-۷- رنگ سیاه

سیاه در عرف عام با تیرگی و پریشانی روزگار قرین است. اما حضور آن در آداب و رسوم حاکی از معنای دوگانه آن است (مونسى سرخه، طالب‌پور، گودرزی، ۱۳۸۹: ۹). سیاه رنگی چشم‌نواز، نمایشی و از قوی‌ترین رنگ‌هاست که نشانه عظمت و بزرگی است. هیچ رنگی قدرت مقابله با سیاه را ندارد، رنگی که پوشاننده تمام رنگ‌هاست و تمام نورها را جذب می‌کند و اجازه ابراز وجود به هیچ رنگی نمی‌دهد. همیشه روی ذهن آدمی تاثیرگذار بوده و همواره یادآور راز و رمز جادویی شب است. گاهی نماد عزا و سوگ می‌شود؛ با این همه این رنگ از گران‌ترین و سنگین‌ترین رنگها به نظر می‌آید و پیام‌آور قدرت است و جاذبه‌ای بی‌بدیل دارد. نشانه قدرت، قدر و رنگی کلاسیک است. در هنر اسلامی رنگ سیاه، نماد اصل تعالی و دست‌نیافتنی است و جمیع رنگ‌ها و گستره پربسامد مفهوم‌هاست (نصیری، افراسیاب‌پور، احمدی، ۱۳۹۷: ۵۳) همچنین «سیاه رنگ شب است و رنگ مردمک دیده و از آن مردمی است که دل ایشان خزینة اسرار باشد و حال خود را از همه کس مخفی می‌دارند و در پرده اولیا تحت قیابی به یاد محبوب ازل می‌گذرانند» (بلخاری‌قهی، ۱۳۹۴: ۱۴۹). آمده است «اول کسی که با رنگ سیاه و جامه موپین تمثیل کرد جبرئیل بود. چو آدم به او نظر کرد پرسید که تو کیستی و این چه حزن است که از تو ظاهر شده است؟ او گفت: حزن من بر گناهم و از برای مذلت نفس من است». «در اندیشه ابن عربی، عارف به جایی می‌رسد که هیبت عظیم نور سیاه بر جان او نمایان می‌شود.

عرفای ما گفته‌اند که نور سیاه در آخرین مرحله هویدا می‌شود که هرگونه تعین وجود عارف از بین رفته است؛ چنان‌که پیامبر (ص) در فتح مکه و هنگام خطبه خوانی، عمامه سیاه بر سر بسته بود. هر که این رنگ جامه پوشد باید که عیوب مردم مخفی دارد. «متصوفه طی سلوک به مناسبت هر مقام، نوری مشاهده می‌کنند و لباس را به نوری که مشاهده کرده‌اند می‌پوشیدند و هنگامی که در آخرین مرحله نور سیاه یعنی نور ذات را می‌دیدند جامه سیاه می‌پوشیدند» (مونسى سرخه، طالب‌پور، گودرزی، ۱۳۸۹: ۹)؛ از این رو نور سیاه مظهر مرتبه هفتم بوده و مربوط به صفت جلال خداوند است؛ این نور را شب روشن نیز می‌خوانند و نشانه عشق آمیخته به وجد، عظمت و نور ذات است و شش مرتبه دیگر که شامل نورهای سفید، زرد، بنفش، سبز، آبی و سرخ نماینده انوار جمال پروردگار هستند (نصیری، افراسیاب‌پور، احمدی، ۱۳۹۷: ۶۲).

«لباس روحانیون مسلمان و مسیحی و لباس تیره کاهنان بابلی که قیابی به شکل ماهی سیاه بود از معنای مثبت آن حکایت می‌کند. در محافل اشرافی قدیم رنگ سیاه رنگی رسمی بود و خلعت سیاه از این زمره است». «پوشش سیاه در عزا، عروسی و علم‌های سیاه به معنی تجدید حیات طبیعت بوده است. گاهی نشانه تعالی است. چنان‌که مقام شب قدر نشانه تعالی شب از روز

است» (مونسی سرخه، طالب‌پور، گودرزی، ۱۳۸۹: ۹)؛ در پوشش بانوان یکجانشین (تصاویر ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳) رنگ سیاه کاملاً مشهود بوده و بیشترین کاربرد در سرپوش آنان مورد استفاده قرار می‌گیرد. این رنگ در شار بانوان یکجانشین نمادی از معرفت، حکمت و تعالی اندیشه است، رنگی قدرت‌مند و تداعی‌گر سکوت، تدبیر و عمیق شدن است. همچون رنگ تاج اهل طریق هرکه تاج سیاه پوشد باید در ظلمت وجود به سرچشمه معرفت رسیده باشد (همان: ۸).



تصویر ۱۱- رنگ مشکی در پوشش زنان صوفیانلو (مأخذ: وطن دوست، ۱۳۸۳)



تصویر ۱۰- شار (سرپوش) بانوی یکجانشین (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱)



تصویر ۱۲، ۱۳- کاربرد رنگ سیاه در پوشش بانوان یکجانشین (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱)



۸- نتیجه گیری

نمادها سریع و ساده، افکار و اندیشه‌ها را منتقل کرده و دانشی برای ارتباط با دیگران هستند. رنگ‌ها زبانی جهانی و نمودی فرهنگی، هویتی دارند. جزء جدایی‌ناپذیر البسه اقوام‌اند و حامل نشانه‌هایی ورای خود بوده، آن را بازنمایی می‌کنند؛ بنابراین با بررسی تصاویر گردآوری شده از پوشاک کوچ‌نشینان و یکجانشینان کرد شمال خراسان نتایج نشان داد، رنگ‌های غالب در این جامه‌ها سفید، قرمز، زرد و سیاه است که از پرکاربردترین و مهم‌ترین رنگ‌ها در البسه سنتی هستند. با بررسی نمادهای این رنگ‌ها در پوشش بانوان کرد شمال خراسان، چنین استنتاج می‌شود که رنگ‌های سفید، سرخ، زرد بیشترین کاربرد را در البسه نمونه‌های مورد مطالعه دارد. سفید که اولین نورها و زاینده تمام رنگ‌ها و رنگی ماورائی و آسمانی است و در پوشش بانوان کوچ‌نشین و یکجانشین کرد شمال خراسان، نشان از صداقت، پاکی، بی‌آلایشی، صلح، دوستی و صمیمیت است و در پوشش بانوی کوچنده در پیراهن و شال (سرپوش) بکار رفته است که در بالاترین قسمت بدن قرار دارد که دید بیننده را به بالا هدایت می‌کند و نشانه سبک‌بالی است؛ بانوی یکجانشین با استفاده از این رنگ و عبور تار و پود از میان یکدیگر نقش‌هایی برای تزئین شال (سربند) و پیراهن می‌آفریند. سفید رنگی تکمیل‌کننده و تکامل یافته است و نماد شور و نشاط طبیعت ذاتی کرد شمال خراسان است.

رنگ قرمز که از اصیل‌ترین رنگ‌های سنتی است، در پوشش هر دو گروه کوچنده و یکجانشین از رنگهای هویت بخش است و نشانی از زایش، رویش و تجدید حیات بوده و نمادی از فعالیت، تلاش و نشان از قدرت، صلابت و مقام والای این بانوان دارد که ایشان اشائه دهنده حرارت و گرما به خانواده و پیرامون خود هستند. رنگ زرد که نمادی از نور، گرما و آیتی برای آفرینش شادی است. این رنگ نمادی از احتیاط و مراقبت است و در جامه دختران کوچنده به شکل سطوحی وسیع، برای اینکه در کوهستان از نظر دور نماند، در دامن ایشان بکار می‌رود و در لباس بانوان یکجانشین برای غنی‌تر کردن رنگ سرخ زمینه، جهت نقش اندازی البسه‌ای همچون پیراهن، شال و چادر بکار رفته است که در گذشته از علف‌های کوهی بدست می‌آمد و برای نشان دادن شادی و امید به کار می‌رود و در چادرش نو عروس بیشترین وسعت را دارد. رنگ سیاه که پوشش دهنده تمام رنگ‌هاست رنگی قدرتمند،

اشرفی و رسمی بوده و نشانه آرامش، سکوت و عمیق بودن، مانند سیاهی شب است؛ همچون تاج اهل طریق روی سر بانوی یکجانشین نماد وقار، اقتدار و جستجو برای معرفت‌یابی و نشانی از طلب حقیقت و تعالی پوشنده است و او را مستحکم می‌نمایاند.

تشکر و قدردانی

سیاس بیکران از پژوهشگر و نویسنده خانم گلی شادکام و بانوان پرمه‌ری که یاری‌گر این تحقیق بودند. خانم‌ها: منصوره صحرایی چادر نشین ده‌چشمه قره‌مانلو، شیرین مصباح قره‌مانلو، سمیه قره‌مانلو، خان‌پری داوطلب، اعظم توکلی، فاطمه قسیمی، خانم رضاییان و خانواده محمدی.

منابع

۱. الهی محبوبه، (۱۳۹۹)، «طراحی لباس ۱ تاثیر و تدابیر خطی»، چاپ دوم، تهران: جمال هنر با همکاری موسسه هنری طرح و نقش زوایا
۲. آیزمن لئاتریس، (۱۳۹۲)، «روانشناسی کاربردی رنگ‌ها (پنتون)»، روح‌الله زمزمه، چاپ چهارم، تهران: انتشارات بیهق کتاب
۳. بخشی اکرم و وندشعاری علی، (۱۳۹۵)، «بررسی ساختار فرمی طرح و نقش قالی های اصیل کردی خراسان (رضوی، شمالی)»
۴. بزّی، فاطمه و بلخاری قه‌ی، حسن (۱۴۰۱)، «نمادشناسی رنگ در آثار سلطان محمد تبریزی بر اساس آراء عرفانی علاء الدوله سمنانی: نمونه موردی: نگاره‌های معراج پیامبر و بارگاه کیومرث». ماهنامه پژوهش در هنر و علوم تخصصی، ۷ (۹)، ۴۸
۵. بلخاری قه‌ی حسن، (۱۳۹۴)، «قدر: نظریه هنر و زیبایی در تمدن اسلامی». چاپ اول، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر
۶. پیرحیاتی محمد، (۱۳۹۳)، «نمادشناسی و اسطوره‌ها»، چاپ اول، تهران: روزنه
۷. توحدی کلیم‌الله، (کانبمال) (۱۳۹۷)، «ترانه‌های کرمانجی خراسان»، مؤلف
۸. جابانی محمد، (۱۳۹۰)، «هنر و هنرمندان سرزمین پارت قوچان»، چاپ اول، مشهد: سخن گستر
۹. حسین پور، اسماعیل (۱۳۹۳)، «دیوار و دوتار: تحلیل سه خشتی‌های کردی کرمانجی کردهای خراسان»، چاپ اول، قم: عمود علوی
۱۰. دانش کاظم، خزائی محمد، (۱۳۹۹)، «نمادشناسی رنگ سبز در فرهنگ و هنر ایرانی-اسلامی»، پیکره، (۱۹)، (۱۸-۲۹)
۱۱. ذولفقاری کیکانلو معصومه، (۱۳۹۷)، «بررسی نماد، نقوش و نگاره‌های سفره کردی در خراسان»، چاپ اول، بخنورد: بیژن یورد
۱۲. سرلو خوان ادواردو، (۱۳۹۲)، «فرهنگ نمادها». مهرانگیز اوحدی، چاپ دوم، تهران: دستان
۱۳. شریفی علی و جوکار مجید، (۱۳۸۹)، «رنگ سفید از منظر قرآن و روشناسی». پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، دوم (۷)، (۹۱-۱۰۸)
۱۴. ضیاءپور جلیل، (۱۳۴۶)، «وضعیت پوشاک مردم عشایر و ایل‌ها و روستائیان ایران»، -:-
۱۵. کشاورز گلناز و جوادی شهره، (۱۳۹۸)، «انتزاع نمادین در زیبایی‌شناسی هنر بلوچستان نمونه موردی: سوزن‌دوزی بلوچ»، نشریه علمی پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر، ۱۶ (۷۹)، ۵-۱۴
۱۶. کوه‌نور اسفندیار، (۱۳۸۳)، «جلوه‌گری نقوش هنری در آثار هنرهای سنتی ایران» (ج:دوم)، چاپ دوم، مشهد: آستان قدس رضوی نور حکمت
۱۷. مونس سرخه مریم، طالب‌پور فریده و گودرزی مصطفی، (۱۳۸۹)، «نوع لباس و نمادهای رنگ در عرفان اسلامی»، هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی (۴۴)، (۵-۱۴)
۱۸. مجد علی اکبر، عربی نسربین و شادکام گلی، (۱۳۹۹)، «جامعه‌شناسی ایلات و عشایر»، مشهد: خانه علوم تربیتی
۱۹. نصیری، محمد، افراسیاب‌پور، علی‌اکبر، احمدی، فریبا (۱۳۹۷)، «نماد عرفانی رنگ در هنر و معماری اسلامی»، عرفان اسلامی (ادیان و عرفان)، ۱۴ (۵۶)، ۵۳-۷۱
۲۰. وطن‌دوست سارا، (۱۳۹۵)، «پوشاک و زیورآلات عشایر کرمانج خراسان»، چاپ اول، قم: عمود علوی
۲۱. وردن جنیفر و بیکر پاتریشیال، (۱۳۹۶)، «منسوجات ایرانی»، مهران محبوبی، چاپ اول، تهران: نظر
۲۲. هاشمی غلام‌رضا، (۱۴۰۰)، «بررسی نمادهای کلیدی در نقوش گلیم‌های عشایر منطقه خراسان (کرمانج، ترکمن و سنگس)». درایگاه (نشریه علمی هنر خراسان بزرگ) (۲)
۲۳. هال جیمز، (۱۳۸۰)، «فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب». رقیه بهزادی، چاپ پنجم، تهران: فرهنگ معاصر
۲۴. یآوری حسین و سرخوش شیدا، (۱۳۹۸)، «آشنایی با لباس‌ها و پوشاک سنتی»، چاپ ششم، تهران: آذر